

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



جلوه‌های نمادین طبیعت در غزلیات عرفانی

با تکیه بر غزلیات سنایی، نظامی، عطار، مولوی

شریفه ولی نژاد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

تابستان ۱۳۸۸

پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد • ۱۳۸۸/۸/۲

استاد راهنما: دکتر محمدمیر عیسی‌نیا

کتابخانه مرکزی ارومیه
تاسیس ۱۳۵۷

۱۲۲۴۹۴

پایان نامہ نظام سرفیصلہ نثار ۱۴، ۵، ۸۸
شمارہ ۳-۲۵۱ مورد پذیرش هیات محترم
داوران با رتبہ عالی و نمبرہ قرار گرفت.
۱۹۱۷۸



1- استاد راہنما و رئیس ہیئت داوران :
جناب آقای ڈاکٹر محمد امیر عیسیٰ بنا

2- استاد مشاور :



3- داور خارجی :

جناب آقای ڈاکٹر محمد حسین خان محمدی



4- داور داخلی :

جناب آقای ڈاکٹر محبوب علی



5- نمایندہ تحصیلات تکمیلی :

جناب آقای ڈاکٹر مسعود بنی

فرم مخصوص داوران

مورد پذیرش

پایان نامہ خانم شریفہ ولی نژاد بہ تاریخ ۸۸/۵/۱۴ شماره

ھیأت محترم داوران با رتبہ عالی و نمبرہ ۱۹/۷۵ قرار گرفت.

۱۔ استاد راہنما و رئیس هیئت داوران: آقای دکتر محمد امیر عبیدی نیا

۲۔ استاد مشاور:

۳۔ داور خارجی: آقای دکتر محمد حسین خان محمدی

۴۔ داور داخلی: آقای دکتر محبوب طالعی

۵۔ نماینده تحصیلات تکمیلی: آقای دکتر مسعود بیات

تقدیم به

روان پاک مادرم

و پدر عزیز و رنج دیده‌ام که در طول عمرم

مدیون الطاف آن دو بزرگوارم

و شریک زندگی‌ام که پیوسته در تدوین پایان‌نامه

یار و یاورم بودند

و به گل بوته‌های عمرم: حورا و محمدرضا

تقدیر و تشکر

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»

«خداوند! کار آن کس کند که تواند و عطا آن کس بخشد که دارد، پس رهی، چه دارد و چه

تواند، چون توانایی تو، کرا توان است؟ و در ثنای تو کرا زبان است؟». (میبدی، کشف‌الاسرار، ج ۷، ص ۳۹۸)

حمد و سپاس فراوان پروردگاری را سزااست که عقل و بینش بشری را به بارگاه کبریایی او

طریقی نیست و شکوه و عظمت ملکوتی او را حریفی نه!

تقدیر و تشکر برازنده‌ی والا صفتانی است که چون شمع می‌سوزند و چراغ فرا راه تشنه کامانی

می‌گیرند که عطش آموختن دارند و تشنه‌ی یادگیری هستند به ویژه استادان سترگی چون دکتر

محمدامیر عبیدی‌نیا که در تدوین این مجموعه قدم به قدم بنده‌ی حقیر را راهنمایی فرمودند و از

هیچ یاری حضوری و غیرحضوری ذریغ ننمودند، و والا مقامانی چون سرکار خانم دکتر فاطمه

مدرسی، دکتر علیرضا مظفری، دکتر عبدالله طلوعی‌آذر، دکتر محمدحسین خان‌محمدی و دکتر

محبوب طالعی که در طول تحصیل پیوسته ریزه‌خوار خوان این بزرگان بودم.

همچنین از زحمات و دلسوزی‌های استاد ارجمند جناب آقای دکتر رحیم کوشش و مدیر

محترم گروه زبان و ادبیات فارسی خاضعانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

از دوست عزیزم سرکار خانم گودرزی و خانواده‌ی عزیزم نیز که در طول تحصیل یاور و

حامی من بوده‌اند تشکر می‌نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۵	بخش اول: نماد و انواع آن
۵	معنای لغوی و اصطلاحی نماد
۹	انواع نماد
۱۰	نماد و صور خیال
۱۱	شعر و رمز
۱۵	بخش دوم: شرح حال مختصری از شاعران مورد نظر
۱۵	سنایی
۱۹	نظامی
۲۱	عطار
۲۳	مولوی
۲۷	بخش سوم: نمادهای طبیعی
۲۷	آب
۴۱	آب و گل
۴۵	آتش
۵۳	آسمان
۵۷	آفتاب
۷۰	آهو

۷۴	-----	ابر
۷۸	-----	اژدها
۸۲	-----	اسب
۸۶	-----	اشتر
۹۰	-----	انگور
۹۲	-----	باد
۹۹	-----	باران
۱۰۲	-----	باز
۱۰۶	-----	باغ
۱۱۳	-----	بحر (دریا)
۱۲۴	-----	بلبل
۱۳۰	-----	بهار
۱۳۴	-----	بیابان
۱۳۶	-----	پروانه
۱۴۰	-----	پسته
۱۴۳	-----	پشه
۱۴۶	-----	پیل
۱۵۱	-----	جغد
۱۵۳	-----	چشمه حیوان (چشمه خضر)
۱۵۸	-----	چمن
۱۶۲	-----	خار
۱۶۷	-----	خاک
۱۷۸	-----	خر

۱۸۵	-----	خروس
۱۸۷	-----	خزان
۱۸۹	-----	خفّاش
۱۹۳	-----	درخت
۱۹۶	-----	دریا
۱۹۶	-----	روباه
۱۹۸	-----	روز
۲۰۲	-----	زاغ
۲۰۵	-----	زمین
۲۰۷	-----	ستاره
۲۱۰	-----	سرو
۲۱۴	-----	سگ
۲۲۰	-----	سنبل
۲۲۲	-----	سنگ
۲۲۶	-----	سوسن
۲۲۹	-----	سیمرغ
۲۳۳	-----	شب
۲۳۷	-----	شقایق
۲۳۸	-----	شمشاد
۲۴۰	-----	شیر
۲۴۶	-----	صحرا
۲۴۸	-----	طاووس
۲۵۱	-----	طوطی

۲۵۰	طوفان
۲۵۹	عنقا
۲۶۱	کاه
۲۶۳	کوه
۲۶۶	گاو
۲۷۰	گرگ
۲۷۳	گل
۲۷۸	لاله
۲۸۱	مار
۲۸۴	ماه
۲۹۲	ماهی
۲۹۵	مرغ
۳۰۱	مگس
۳۰۴	مور
۳۰۷	نرگس
۳۱۰	نور
۳۱۶	هدهد
۳۱۸	هما
۳۲۱	نتیجه گیری
۳۲۳	فهرست آیات
۳۲۴	فهرست احادیث
۳۲۵	فهرست منابع

علائم اختصاری

ج _____ جلد

ص _____ صفحه

صص _____ صفحات

ع _____ علیه السلام

هـ ق _____ هجری قمری

م _____ میلادی

نک _____ نگاه کنید

چکیده

مطالب این پایان‌نامه از سه بخش تشکیل یافته است، ابتدا ضمن بحث در معانی لغوی و اصطلاحی نماد، از چند فرهنگ تعریف‌هایی برای نماد ذکر کرده شده است و معانی و کاربردهای ادبی این واژه و لغت‌های معادل آن از قبیل: رمز، سمبل و نشانه با دلایل کافی توضیح داده شده است. به همین جهت بحث و بررسی در انواع نماد نیز ضرورتاً از نظر دور نمانده است.

در بخش دوم تاریخچه‌ای مختصر برای هر کدام از شاعران مورد نظر این پایان‌نامه ذکر گردیده است.

در بخش سوم واژه‌های نمادین طبیعت به ترتیب الفبایی با توضیحی مختصر نقل شده و به ترتیب قرن وفات هر شاعر کاربردهای نمادین هر واژه با چندین مثال توضیح داده شده اند و در صورت بالا بودن تعداد شواهد مثال در پاورقی به شماره غزل و بیت ارجاع داده شده است.

واژه‌های کلیدی

طبیعت - نماد - غزل - عرفان - سنایی - عطار - نظامی - مولوی

مقدمه

بهار تجلی معاد در طبیعت و عوامل طبیعی نشانی از قدرت لایزال خداوندی است و آمیختگی روح و فرهنگ انسان‌ها با این پدیده‌های طبیعی شاعران و نویسندگان را بر آن داشته است که از هر فرصتی استفاده کرده، فصول دیوان و باب‌های دفترهایشان را با مظاهر طبیعی آذین بندند. اکثر شعرای ایران زمین به نوعی زیبایی‌ها و تجلیات طبیعت را در آثار خود انعکاس داده‌اند. جلوه‌های بهار و مظاهر طبیعت یکی از سوژه‌های اجتناب‌ناپذیر غزلیات عرفانی است. کمتر شاعری می‌توان پیدا کرد که از مظاهر طبیعی به عنوان نماد و سمبل در شعر خود استفاده نکرده باشد.

نگارنده نیز بنا به به اهمیت موضوع علاقمند شده است بنا به پیشنهاد استاد محترم راهنما جناب دکتر عبیدی نیا و استادان محترم گروه ادبیات فارسی، جلوه‌های نمادین طبیعت را در غزلیات عرفانی بویژه در غزلیات عارفانه‌ی عطار، سنایی، نظامی و مولوی بررسی کند.

به طور کلی برای درک مفاهیم بلند غزلیات عرفانی به ویژه غزلیات شمس و سنایی و عطار ضروری است که جنبه‌های نمادین و کاربردهای رمزی آن‌ها را بشناسیم، و برای درک مفاهیم رمزی این آثار ارزشمند ابتدا باید از مبحث نماد و انواع و کاربردهای مختلف آن اطلاعات کافی داشته باشیم از آنجا که در میان واژه‌های نمادین این آثار کلمات مربوط به طبیعت بیشتر از دیگر واژه‌ها به چشم می‌خورد بدین مناسبت و به جهت علاقه‌ی شخصی نگارنده به موضوع طبیعت این عنوان را جهت رساله‌ی پایانی انتخاب نموده است و با راهنمایی استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمدامیر عبیدی نیا اقدام به جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نموده است.

هدف از تحریر این رساله در مرحله‌ی اول شناسایی جلوه‌های نمادین طبیعت در غزلیات عرفانی سنایی، عطار، نظامی و مولوی می‌باشد. سنایی، عطار، نظامی و مولوی نیز به شیوه‌های گوناگون از مظاهر و عوامل طبیعی به عنوان سوژه، نماد و سمبل استفاده کرده‌اند. ابتدا به فهرست بندی نمادهای طبیعی پرداخته شده است سپس توضیحی کوتاه و مختصر درباره هر کدام از مظاهر طبیعت آورده شده است و با آوردن شواهد مثالی متعدد از هر چهار شاعر و مقایسه نگرش و عملکرد چهار شاعر مذکور به مفاهیم نمادین طبیعت پرداخته شده است. این رساله با پرداختن به مفاهیم نمادین

طبیعت در غزلیات عرفانی چهار شاعر مُطرح در وادی عرفان می تواند راه گشای مشکلات دانشجویان در فهم مفاهیم عرفانی باشد.

جلوه نای طبیعت از دیرباز مورد توجه اکثر شاعران و نویسندگان ادب فارسی قرار گرفته است و هر شاعری خواه ناخواه سعی کرده است سروده های خود را با جلوه‌هایی از طبیعت ترسیم کند در کتاب‌های متعدد و پایان نامه‌های گوناگونی از این جلوه‌ها تصویرگرایی شده است کتابی تحت عنوان فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه مولانا توسط علی تاجدینی نوشته شده است ولی نویسنده در این کتاب تشبیه، استعاره، مجاز، نماد را از هم تفکیک نکرده است. همچنین پایان‌نامه‌ی تحت عنوان نمادشناسی جانوران در غزلیات شمس و تطبیق با منطق‌الطیر در دانشگاه ارومیه تدوین شده است لیکن در هیچ منبعی مشاهده نشده است که مجموعه‌ی مستقلی که بیانگر جلوه‌های نمادین طبیعت در غزلیات عرفانی باشد، بدین جهت نگارنده پایان‌نامه سعی کرده است تا در حد وسع خویش، جلوه‌های نمادین طبیعت را در غزلیات عرفانی سنایی عطار، نظامی و مولوی با استفاده از منابع ذکر شده به تصویر بکشد.

این تحقیق با شیوه‌ی کتابخانه‌ای و مبتنی بر گنجاندن اطلاعات مندرج در برگه‌های فیش و سپس تدوین و دسته بندی آن‌ها انجام پذیرفته است. در مرحله‌ی پایانی داده‌ها به پایان نامه منتقل شده و اظهارنظرها و تحلیل‌های ضروری بدان اضافه گردیده است. بنابراین نگارنده سعی کرده است در حد توان خود از اکثر کتاب‌ها و منابع موجود به حد کافی استفاده نماید، ملاک تشخیص معانی نمادین واژه‌ها، زمینه‌ای بوده است که در بیت‌ها یا ابیات ماقبل و مابعد بیت موردنظر ایجاد شده است و از آنجا که گاهی مرز ما بین نماد و استعاره و گاهی نماد و مجاز و کنایه بسیار نزدیک است سعی شده است برای هر کاربرد چندین مثال واضح ذکر شود و مابقی کاربردها در پاورقی با شماره‌ی بیت یا صفحه ارجاع داده شده است.

در طی تدوین این پایان نامه دشواری‌های متعددی وجود داشته است. تشخیص نماد در برخی موارد بسیار دشوار می‌نمود و گاهی از حد توان نگارنده خارج می‌شد. متعدد بودن نماد‌های طبیعی مورد استفاده شاعران یکی دیگر از مشکلاتی بود که باعث شده است از بعضی مظاهر طبیعی کم کاربرد چشم‌پوشی شود. همچنین گسترده بودن حجم

غزلیات مؤرد بررسی، بویژه غزلیات شمس تا اندازه‌ای باعث شده است که از مفاهیم نمادینی مانند آب، آتش، آفتاب، ماه و غیره که به فراوانی در این غزلیات به کار رفته چندین نمونه در متن پایان‌نامه و تعدادی در پاورقی نوشته شود و از بقیه موارد چشم‌پوشی گردد. در مورد غزلیات سنایی و عطار به دلیل متفاوت بودن شماره غزلیات در نسخه‌های مختلف از کتابخانه الکترونیکی شعر فارسی (درج ۳) برای آدرس شماره غزل و شماره بیت استفاده شده است.

در تهیه این رساله از منابع متعددی استفاده شده است از جمله : ۱- کلیات دیوان شمس تبریزی ۲- دیوان عطار نیشابوری به تصحیح سعید نفیسی ۳- دیوان سنایی به تصحیح مدرس رضوی ۴- کلیات نظامی از وحید دستگردی ۵- لغت نامه دهخدا ۶- امثال و حکم از دهخدا ۷- انسان و سمبولهاش (کارل گوستاو یونگ) ۸- اساطیر ایران از مهرداد بهار ۹- فرهنگ نمادها (ژان شوالیه) ۱۰- فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه مولانا ۱۱- فرهنگ معین ۱۲- داستان مرغان (متن فارسی رساله الطیر) از احمد غزالی ۱۳- منطق الطیر یا مقامات طيور به اهتمام سید صادق گوهرین ۱۴- رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی (تقی پورنامداریان) و کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی که در بخش منابع و مراجع به تفصیل بیان شده است.

در این رساله نگارنده تلاش کرده است تا اندازه‌ای حق مطلب را ادا کند با این حال اگر ضعف و کاستی به چشم می‌خورد حاصل اندک مایگی این نوآموز می باشد چراکه استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر عبیدی‌نیا با وسواس تمام و دقت نظر ستودنی هر مطلبی را گوشزد می فرمودند حال یا از توان بنده خارج بوده، یا از قلم افتاده است و امید آن دارد اربابان دانش و ادب به دیده اغماض و عنایت بر آن بنگرند.

بخش اول

نماد و انواع آن

معنی لغوی و مفهوم اصطلاحی «نماد»

در اکثر لغت‌نامه‌ها، رمز یا نماد معادل لغت سمبل (Symbol) آمده است، رمز یا نماد یکی از ابزارهای بیان هنرمندانه است که در فرهنگ و تمدن انسانی جلوه‌های گسترده و متنوعی یافته است.

با وجود نماد، پرده‌ی خیال رنگین‌تر می‌شود. ادبیات ایران سرشار از رمز است، رمز یا نماد در بین تمامی گونه‌های ادبی چون: شعر غنایی، حماسی، عرفانی و غیره، ریشه دوانده است.

در فرهنگ نمادها در تعریف نماد آمده است:

«در ابتدا واژه‌ی (Symbol) نماد به شیئی اطلاق می‌شد از جنس چوب و مینا یا فلز، که هر نیمه‌آن را دو نفر نگاه می‌داشتند: دو میهمان، دو طلبکار و بدهکار، دو زایر، دو نفر که مدتی طولانی از یکدیگر جدا می‌افتادند . . . و با کنار هم قرار دادن این دو نیمه، آنها بیعت خود را به یاد می‌آوردند. در میان یونانیان عهد باستان هم، سومبولوس علامت شناسایی بود، و از طریق آن، پدر و مادر، فرزندان سر راه گذاشته‌ی خود را پیدا می‌کردند، به همین قیاس کلمه‌ی سمبل (نماد) به مهره (ژتون) نیز اطلاق می‌شد، که در اختیار داشتن مهره، نشانه یا تعهدنامه‌ی بی بود که شخص می‌توانست با ارایه‌ی آن طلب خود را، چه با پول و چه با مواد غذایی، برحسب توافق طرفین وصول کند. سمبل وقتی دو نیمه می‌شد و دو تکه‌ی آن دوباره جمع می‌آمد و واحد می‌گشت، نشانه‌ی دو مفهوم جدایی و وصال بود، یادآور جمعی تجزیه شده، که ممکن بود تجمع دوباره شکل بگیرد، هر سمبل یک تکه‌ی شکسته داشت، بنابراین مفهوم سمبل، هم شکستگی و شقاق بود و هم، چفت و بست دو تکه‌ی شکسته.»

(شوالیه، گربران، فرهنگ نمادها، صص ۳۴ و ۳۵)

تاریخ نماد نشان می‌دهد که هر موضوعی می‌تواند ارزش نمادین پیدا کند، چه شیئی طبیعی باشد از قبیل: سنگ‌ها، فلزات، درختان، گل‌ها، میوه‌ها، حیوانات، پرندگان، چشمه‌ها، رودخانه‌ها، اقیانوس‌ها، کوه‌ها، دره‌ها، کرات آسمات، آتش، صاعقه و غیره؛ و چه امری مجرد از قبیل: اشکال هندسی، اعداد، اوزان، عقاید و غیره.

نماد، نشانه‌ای بیش از یک علامت ساده است که در ورای معنی جای دارد و تفسیری مختص به خود می‌پذیرد که لازمه‌ی پی بردن به کنه آن و نیل به این تفسیر داشتن نوعی قریحه‌ی ادبی است، نمادها سرشار از تأثیرگذاری و پویایی هستند و برای بیان معانی، نه تنها به شیوه‌ای خاص، گاهی بر مقاصد، پرده و ستر می‌افکنند، بلکه پاره‌ای اوقات باز هم به شیوه‌ای خاص، حجاب‌ها را کنار می‌زنند، و می‌توان گفت که نمادها با ساختارهای ذهنی افراد بازی می‌کنند.

تقی پورنامداریان در این باره می‌نویسد:

«رمز کلمه‌ای است عربی که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود، معنی آن به لب یا به چشم و ابرو یا به دهن یا به دست و پا، یا به زبان اشارت کردن است، در زبان‌های عربی و فارسی معانی گوناگونی دارد، از جمله: اشاره، راز، سر، ایما، دقیقه، نکته، معما، نشانه، علامت، اشارت کردن، اشارت پنهان، نشانه‌ی مخصوصی که از آن مطلبی درک شود، چیز نهفته میان دو یا چند کس که دیگری بر آن آگاه نباشد، بیان مقصود با نشانه‌ها، علایم قراردادی و معهود است، آنچه که در مفاهیم فوق، مشترک است، عدم صراحت و پوشیدگی است.» (پورنامداریان، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، ص ۱)

امروزه نماد را معادل رمز و سمبل به کار می‌برند که نویسنده‌ی رمز و داستان‌های رمزی عقیده دارد که نماد برای باز نمودن جنبه‌های متعدد و متنوع معنی سمبل و رمز نارسا می‌باشد.

کلمه‌رمز یک بار نیز در قرآن مجید به کار رفته است:

«قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمًا» (آل عمران، آیه ۴۱)

«حضرت زکریا عرض کرد: پروردگارا مرا نشانه‌ای مرحمت فرما، گفت: نشانه‌ی تو آن است که تا سه روز با کسی

سخنی نگویی مگر با رمز و اشاره.»

در تفسیر مجمع‌البیان آمده است: «رمز یعنی اشاره با دو لب، و گاهی هم در اشاره با ابرو و چشم و دست استعمال

می‌شود، لیکن در معنای اول بیشتر است.» (طباطبائی، ترجمه‌ی تفسیرالمیزان، ج ۳، ص ۳۱۹)

صاحب ترجمه‌ی تفسیر طبری، رمز را در این آیه «اشارت» معنی کرده است، و راغب اصفهانی آن را اشاره با لب و صورت خفی گرفته است.

«میبدی در کشف‌الاسرار، کوشیده است معادل فارسی این کلمه را پیدا کند و برای آن ترجمه‌ی «نمون» و «اشارت» را انتخاب کرده است.»

صاحب‌اللمعه نیز مفهوم رمز را چنین نوشته است: «سخنی است با معنی پوشیده که جز آشنایان آن را در نمی‌یابند.» (پورنامداریان، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، ص ۱)

اما آنچه مسلم است آن است که کلمه‌ی رمز یا نماد در متون نظم فارسی بیشتر به صورت ابزار انتقال غیرمستقیم مفهوم به کار رفته است یعنی هر گاه گویندگان و سرایندگان بر آن شده‌اند که مقصود خود را از کافه‌ی مردم بیوشانند و فقط بعضی از خواص از آن آگاه باشند اغراض خود را به صورت نمادین بیان داشته‌اند.

تقی پورنامداریان در این باره می‌نویسد:

«قدمه بن جعفر از اولین کسانی است که درباره‌ی رمز به عنوان یک اصطلاح سخن گفته است. او در کتاب نقدالنثر می‌نویسد: گویندگان آن گاه که می‌خواهند مقصود خود را از کافه‌ی مردم بیوشانند و فقط بعضی از آن آگاه کنند در کلام خود رمز به کار می‌برند، بدین‌سان برای کلمه با حرف، نامی از نام‌های پرندگان یا وحوش یا اجناس دیگر یا حرفی از حروف معجم را «رمز» قرار می‌دهند و کسی را که بخواهد مطلب را بفهمد آگاهش می‌کنند، پس آن کلام در میان آن دو مفهوم و از دیگران مرموز است.» (پورنامداریان، رمز و داستان‌های رمزی، ص ۲ و ۳)

رمز با نماد در برخی مصداق‌های خود، نشانه‌هایی هستند که با استفاده از عناصر عینی طبیعت چیزهای غایب و نامحسوس را به تصویر می‌کشند، و گاهی گذشته از معانی قراردادی و آشکار خود دارای معانی متناقضی نیز هستند، نویسنده‌ی کتاب انسان و سمبول‌هایش نماد را این‌گونه تعریف می‌کند:

«آنچه که نمادش می‌نامیم یک اصطلاح است، یک نام یا نمایه‌ای که افزون بر معانی قراردادی و آشکار روزمره‌ی خود دارای معانی متناقضی نیز باشد، نماد شامل چیز گنگ ناشناخته یا پنهان از ماست.» (یونگ، انسان و سمبول‌هایش، ص ۱۵)

کارل گاستاو یونگ استفاده از نمادها را ناگزیر می‌داند، چرا که چیزهای فراسوی حد ادراک انسان‌ها را بی‌شمار می‌داند و استفاده‌ی دین‌ها را از واژه‌های نمادین نیز به همین معنی نسبت می‌دهد:

«از آنجا که چیزهای بی‌شماری فراسوی حد ادراک ما وجود دارد پیوسته ناگزیر می‌شویم به یاری اصطلاح نمادین برداشت‌هایی از آن ارائه دهیم، نه می‌توانیم تعریف کنیم و نه به درستی آن‌ها را بفهمیم، درست به همین سبب است که دین‌ها از زبانی نمادین بهره می‌گیرند و خود را با نمایه‌ها تعریف می‌کنند.» (همان منبع، ص ۱۹)

گاهی معنی نماد واقعی‌تری پویاتر است و رسالت آن بسی فراتر و دربرگیرنده‌تر از معنای جزئی واژه‌هاست و همین معانی رمزی ارزش‌های گوناگون واژه‌ها را با زندگی واقعی در می‌آمیزد، در یکی از شماره‌های مجله‌ی دانشنامه به این مفهوم نمادین اشاره شده است:

«نماد در معنی نمادین و خاص عبارت است از واقعی‌تری پویا و در برگیرنده‌ی چندین معنای رمزی که با ارزش‌های عاطفی و تصویری، یعنی با زندگی واقعی درآمیخته است . . .

میر چالیده نماد را این چنین تعریف می‌کند: نماد پیام‌آوری است که رسالت آن بسی فراتر است از این «جزئی» که انسان یا هریک از مسایل مورد توجه انسان نامیده می‌شود، نماد، این جزء را به چشم‌اندازهایی گسترده‌تر، به جامعه، به فرهنگ و به تمامی جهان هستی پیوند می‌دهد» (اوحدی، مجله‌ی دانشنامه، ص ۲۰ و ۲۱)

گاهی واژه‌های نمادین و رمزی برای پویایی و استعلا به شمار می‌روند. همچنان که در قرآن مجید نیز در شرح و تفسیر حروف مقطعه و رمزار آغاز بعضی از سوره‌ها آمده است نمادها پل ارتباطی عالم غیب با عالم شهادت هستند، در کتاب مدخلی بر رمزشناسی عرفانی به این مفهوم رمز یا نماد اشاره شده است:

«ماهیت اصلی رمز پویایی و استعلا است و زبان رمزی تلاقی عالم غیب با عالم عین است . . .»

(ستّاری، مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، ص ۱۶۳)

انواع نماد

رمز یا نماد بیشتر به عنوان یک اصطلاح مورد توجه اهل قلم قرار گرفته و تعریف‌های متعددی پیدا کرده است که به

عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- نمادهای قراردادی :

به نمادهایی اطلاق می‌شود که دلالت‌گر یک علامت اختیاری قراردادی هستند و در رشته‌های مختلف علوم به صورت

نشانه‌ها و علامت‌ها کاربرد دارند و اغلب محققین آن را نشانه یا علامت (sign) می‌نامند نه سمبل.

۲- نمادهای استعاری:

نمادهایی که دلالت‌گر یک مفهوم خاص و طبیعی هستند و به علت همبستگی و ارتباط و شاید به طور اتفاقی به

چیزهای دیگر اشاره دارند، مانند «روباه» که نماد انسان‌های حيله‌گر و شیر که نماد انسان‌های شجاع است.

۳- نمادهای قدسی

به علامت‌های قراردادی و غیرطبیعی اطلاق می‌شود که به مفاهیم حقیقی، معنوی، مذهبی، آئینی و فرهنگی اشارت

دارند.

۴- نمادهای یادبودی:

نمادهایی که به خاطره‌ها یا رویدادهای تاریخی، افسانه‌ای و اساطیری اشاره دارند.